

## توضیحات:

- آزمون دبیری و هنرآموز
- حیطة تخصصی دبیر عربی
- مجبری سنجش
- ۱۲ مرداد ۱۴۰۲

اصل سوالات استخدامی

حیطه تخصصی دبیر عربی

آزمون آموزش و پرورش

مرداد ۱۴۰۲

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیر عربی ، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار استخدامی آموزش و پرورش، اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»



عربی

۱۶۱- عین الخطاء في جمع الاسماء التالیه: (iranarze.ir)

(۱) أسوء - أسی (۲) یمین - یمنی (۳) عصا - عصی (۴) حوار - حوارت

۱۶۲- عین الخطاء للفرأغ: «لاشعبَ ..... من شعوب الارض الآ و كان دین و طریقه للعباده» (iranarze.ir)

(۱) كبير (۲) كبير (۳) كبير (۴) كبير

۱۶۳- عین الخطاء حول إعراب أسماء الاستفهام: (iranarze.ir)

(۱) « من ذا الذي أوجد الشمس في الجو من الشررة» من ذا: خبر مقدم

(۲) وإذ قال إبراهيم رب أرني كيف تحيي الموتى..... كيف: مفعول به الثاني ل «أرني»

(۳) ألم تر كيف فعل ربك بعاد ( كيف: حال

(۴) «من ذا الذي جهر الإنسان بقوة مفكرة» من ذا: مبتدأ

۱۶۴- عین الخطاء: (iranarze.ir)

(۱) ذهبت كلنا الطالبتين الى المكتبة

(۲) نصرت صديقي كليهما في المصنع

(۳) شاهدت كلتي تلميذتي هذا

(۴) رأيت كلا الرجلين في الشارع

۱۶۵- عین الخطاء في «الإضافة و التوصيف» (iranarze.ir)

(۱) نظام الجمهورية الإسلامية لإيران

(۲) نظام الجمهورية إيران الإسلامية الإيرانية

(۳) نظام الجمهورية الإسلامية الإيرانية

(۴) نظام الجمهورية الإسلامية الإيرانية

۱۶۶- عین الخطاء في محل الإعرابي ل «هذا» (iranarze.ir)

(۱) لقد وعدنا نحن وأبائنا هذا من قبل إن هذا إلا أساطير الأولين هذا: مبتدأ، في محل الرفع

(۲) «أليس من المناسب كتابة لوحة جدارية مكتوب عليها هذا الحديث» هذا: نائب فاعل، في محل الرفع

(۳) « لا تنس قولك هذا» هذا: عطف بيان و منصوب بالتبعية

(۴) و قالوا إن هذا إلا سحر مبين هذا: مبتدأ، في محل الرفع

۱۶۷- عین الخطاء حول محل «غير» من الإعراب (iranarze.ir)

(۱) «لا يقع في السوء غير فاعله»: فاعل و مرفوع ظاهراً

(۲) « جاء نى رجل غيرك» صفة للتكرة و مرفوع بالتبعية

(۳) «لكل داء دواء غير الحماقة»: مستثنى و منصوب ظاهراً

(۴) «عندى درهم غير جيد»: عطف بيان و مرفوع بالتبعية

۱۶۸- عین ما ليس فيه «المفعول المطلق» (iranarze.ir)

(۱) السمك المدفون ينام أكثر من سنة نوماً عميقاً

(۲) أنت أحسن الناس حسناً

۳) سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى

۴) النَّاسُ يُجَاهِدُونَ لِلْمَوْتِ إِمَّا خَلَاصًا وَإِمَّا هَلَكَآ

۱۶۹- عَيَّنَ الْخَطَأَ حَوْلَ «مَا» (iranarze.ir)

۱) (قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ) ما: تعجبیه، نکره بمعنی شیء عظیم

۲) وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ما: زائده

۳) وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ما: للتفیی

۴) مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ... ما: اسم الموصول

۱۷۰- عَيَّنَ الصَّحِيحَ فِي بِنَاءِ الْمَجْهُولِ: (iranarze.ir)

«يَأْمُرُ الْقُرْآنُ الْمُسْلِمِينَ بِالْوَحْدَةِ وَيَدْعُوهُمْ إِلَى التَّعَايُشِ السَّلْمِيِّ»

۱) المسلمون يأْمُرُونَ بالوحدة و يدْعَى إلى التعايش السلمي

۲) يُؤْمَرُ المسلمون بالوحدة و يدْعَوُهُم إلى التعايش السلمي

عين الخطاء في الاعراب و التحليل الصرفي (۱۷۲- ۱۷۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَافَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

۱) الآخرة: اسم - مشتق (اسم الفاعل) - معرف بال - صحيح الآخر / مجرور بحرف الجار

۲) الَّذِينَ: اسم موصول خاص - معرفه - مبني على الفتح / بدل من «أَي» في محل الرقع

۳) أَنْتَافَلْتُمْ: فعل ماضٍ - للمخاطبين - مزيد ثلاثي (من باب استفعال) - لازم - مبني للمعلوم / فعل و فاعله ضمير «تم» و المجله في محلّ النصب (حال)

۴) مَتَاعٌ: اسم - جامد - معرف بالاضافه - معرب - صحيح الآخر / مبتدأ و مرفوع و علامه رفعه الضمه الظاهرة

۱۷۲- مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (iranarze.ir)

۱) صَيْحَةً: اسم - جامد - مصدر للنوع - نكرة - صحيح الآخر / مفعول به و منصوب و علامه نصبه الفتحة الظاهرة

۲) يَخِصِّمُونَ: فعل مضارع - للغائبين - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - صحيح (سالم) / الجملة من الفعل و الفاعل في محلّ الرقع، خبر للمبتدأ

۳) مَتَى: اسم استفهام - مبني على السكون - نكرة / ظرف، خبر مقدم في محلّ الرقع

۴) كُنْتُمْ: فعل ماضٍ - من الأفعال التافسه - معتل (أجوف) إعلاه بالقلب و الحذف / فعل الشرط و جوابه محذوف

## عربي ترجمه و تعريب:

عَيَّنَ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْآيَاتِ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (۱۷۷- ۱۷۳)

۱۷۳- وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ... (iranarze.ir)

۱) و آنان که جز خدا را بخوانند دشنام ندهید زیرا از روی دشمنی و نادانی خداوند را دشنام می دهند

۲) و آنهايي که جز خدا می خوانند ناسزا نگوييد حال آنکه با دشمنی و نادانی شان خدا را دشنام دهند

۳) و کسانی که به غیر خدا دعوت می کنند ناسزا نگوييد زیرا آنها با دشمنی و نادانی خدايتان را دشنام خواهند داد

۴) و آنهايي که جز خدا را می خوانند دشنام مدهيد که آنان از روی دشمنی، به نادانی خدا را دشنام دهند

۱۷۴- وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً قَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا (iranarze.ir)

- (۱) و نعمت خداوند را خودتان به یاد آورید آنگاه که دشمن بودید و میان دل هایتان مهربانی انداخت پس به نعمت او بردار شدید
  - (۲) و نعمت پروردگار را بر خودتان ذکر کنید اگر چه دشمنی بودید و میان دل هایتان پیوند داد پس به نعمتش بردار شدید
  - (۳) و نعمت های خدا را بر خویشتن بشمارید هنگامی که دشمنانی بودید که بین دل هایتان الفت ایجاد کرد و به خاطر نعمت او برادرانی شدید
  - (۴) و نعمت پروردگار را بشمارید آن هنگامی که دشمن بودید و بین قلوبتان محبت انداخت و به خاطر نعمت او برادر یکدیگر شدید
- ۱۷۵- ... وَاللّٰهُ لَوْ اَعْطٰتِ الْاَقَالِيْمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ اَفْلاَكِهَا عَلٰى اَنْ اُعْصِيَ اللّٰهُ فِي نَمَلَةٍ اَسْلُبُهَا جَلْبَ شَعِيْرَةٍ مَا فَعَلَتْ (iranarze.ir)

- (۱) قسم به خداوند، اگر که هفت سرزمین و آنچه در زیر آسمان هایشان دارند به من بخشیده می شد تا از خداوند سر پیچی کنم و پوست جویی را از مورچه بگیرم، انجام نمی دادم
- (۲) به خداوند سوگند اگر چه سرزمین های هفت گانه با هر آنچه در زیر آسمانشان است به من داده شود تا از پروردگار نافرمانی کنم و پوست جویی را از یک مورچه بگیرم وانجام نخواهم داد
- (۳) به خدا سوگند اگر سرزمین های هفت گانه با هر چه زیر آسمان هایشان است به من داده می شد تا از خدا نافرمانی کنم و پوست جویی را از مورچه ای به زور بگیرم، انجام نمی دادم
- (۴) قسم به خداوند، اگر هفت سرزمین با هر آنچه زیر آسمان هایشان است به من بخشیده می شد تا از خداوند سر پیچی کنم و دانه جویی را از مورچه ای به زور بگیرم، انجام نمی دادم

۱۷۶- بَدَأَ الْقَوْمَ بَيْنَهُمْ سُوْنٌ: «اِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ اِنَّمَا يَقْصِدُ اِبْرَاهِيْمُ الْاِسْتِهْزَاءَ بِاَصْنَانِمَا (iranarze.ir)

- (۱) مردم شروع به پچ پچ کردند: قطعاً بت سخن نمی گوید: ابراهیم فقط قصد بت های ما را مسخره کند
  - (۲) مردم آهسته شروع به صحبت کردند: به درستی که بت سخن نمی گوید: تنها ابراهیم می خواهد بت های ما را مسخره کند
  - (۳) پچ پچ مردم شروع شد: بی شک بت ها حرف نمیزنند، قصد ابراهیم تنها تمسخر بت های ما است
  - (۴) قوم شروع به گفت و گو کردند: همانا بت سخن نمی گوید فقط ابراهیم قصد مسخره کردن بت هایمان را دارد
- ۱۷۷- لِلْسَّانِ الْقَطُّ عُدُوٌّ تَفَرُّزٌ سَائِلًا مُطَهَّرًا فَيَلْعَقُ الْقَطُّ جِرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتّٰى يَلْتَنِمَ (iranarze.ir)

- (۱) غده هایی که در زبان گربه وجود دارد حاوی مایع ضد عفونی کننده است که گربه زخمش را با چندین بار لیسیدن التیام می بخشد
- (۲) در زبان گربه غده هایی هست که به وسیله آم مایع ضد عفونی کننده ترشح می شود پس زخم گربه با چندین بار لیسیدن بهبود می یابد
- (۳) در زبان گربه غده ای وجود دارد که مایع پاک کننده ای تولید میکند و گربه زخم هایش را بارها می لیسد تا التیام یابد
- (۴) زبان گربه غده هایی دارد که مایعی پاک کننده ترشح میکند پس گربه زخمش را چندین بار می لیسد تا اینکه بهبود یابد

عَيْنُ الصَّحِيْحِ فِي التَّعْرِيْبِ: (۱۷۹- ۱۷۸)

۱۷۸- انقلاب صنعتی در بیشتر کشور ها باعث پیشرفت در تولیدات داخلی و تاسیسات حیاتی و تحصیلات عالی شده است. (iranarze.ir)

- (۱) كانت النهضة الصناعيّة قد أدت إلى الرقي في المشتقات الدوليّة و الأبنية الرئيسيّة و الأبحاث الغاليّة في أكثر الدول
  - (۲) في أكثر البلاد النّوره الصناعيّة قد أدت إلى التّقدّم في المنتجات الوطنيّة و المنشآت الحيويّة و الدّراسات العُليا
  - (۳) في أكثر بلاد أدت النّوره الصناعيّة إلى التّقدّم في المشتقات الوطنيّة و المنشآت الرئيسيّة و الأبحاث الغاليّة
  - (۴) كانت النهضة الصناعيّة في أكثر دولٍ تودى إلى الرقي في المنتجات الدوليّة و الأبنية الحيويّة و الدّراسات العُليا
- ۱۷۹- شيميل به همکارانش سفارش کرده بود که گروهی را برای گفت و گوی دینی و فرهنگی تشکیل بدهند که هدف برترش همبستگی میان تمدن ها باشد.
- (۱) إنّ شيميل قد أوصت زملاءها بتشكيل جماعةٍ للمحاضرة الدينيّة و الحضاريّة يكون غرضها الأفضّل التّضامن بين الثقافات
  - (۲) شيميل قد توصي أصحابها أن يُشكّلوا جماعةً للحوار الدينيّ و الحضاريّ يكون أعلى هدفها التّضامن بين الثقافات

۳) كانت شيميل قد أوصب زملاءها أن يشكّلوا فريقاً للحوار الديني و الثقافي يكون هدفه الأعلى الاتحاد بين الحضارات

۴) كانت شيميل توصي أصحابها بتشكيل فريقٍ للمحاضرة الدينية و الثقافية يكون غرضها الأعلى الاتحاد بين الحضارات

۱۸۰- (آماده سازی توسط ایران عرضه) عين الخطاء: (iranarze.ir)

۱) «... وَأَنْ أُمِّمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» به دين يكتا پرستی روی آور و هرگز از مشركان نباش

۲) «كلُّ حزبٍ بما لَدَيْهِمْ فَرْحُونٌ» هر حزبی به آنچه دارد دلشاد است

۳) «..... لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلٌ» حج خانه خدا بر مردم بر کسانی که بتوانند به سوی آن راه یابند واجب الهی است

۴) «وَلَا يَخْرُتْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» گفتارشان تو را ناراحت نکند زیرا ارجمندی همه از آن خداست

۱۸۱- عين الخطا: (iranarze.ir)

۱) الكرى: هو أن يكون الإنسان بين التأمم و اليقظان

۲) الطمر: اللباس العتيق جمعه الأطمار

۳) العش: الذي يجمعه الطائر من العيدان و غيرها فيبيض فيه

۴) النهش: العض بالأسنان لتنظر أصلب هو أم خوار

۱۸۲- عين اخطاء: (iranarze.ir)

۱) ما أضمر أحدٌ شيئاً إلا ظهرَ في فلتات لسانه: کسی چیزی را پنهان نکرد مگر اینکه در لغزش های زبانش زبانش آشکار شد

۲) الحرص و الكبر و الحسد دواعٍ إلى التَّقَهُمِ في الذَّنُوبِ: حرص ورزی، خود بزرگ بینی و حسادت انگیزه های آلوده شدن به گناهان است

۳) قيمة كل امری ما يحسنه: ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می دهد

۴) كلُّ وعاءٍ يضيّقُ بما جعل فيه إلا وعاء العلم: هر ظرفی با آنچه در آن نهاده شده تنگ می شود به جز ظرف دانش

۱۸۳- عين الخطاء عن معنى لفعال (حدّد) (تهييه و تنظيم: ايران عرضه): (arze.ir iran)

۱) حدّد السّكّين: چاقو را تیز کرد

۲) حدّد له: به نفع او تصمیم گرفت

۳) حدّد إليه: قصد آن را کرد

۴) حدّد عليه: به او خشم گرفت

۱۸۴- عين الخطا في الترجمة الكلمات: (iranarze.ir)

۱) الفسيلة - التمسا - الملزمة - نهال - اتریش - جزوه

۲) الرصيد - النفاية - المعوق - شارژ - زباله - امضاء

۳) الجب - المرفاع - التأشيرة - دانه گندم - بخاری - امضاء

۴) التفق - البيئة - السماد - تونل - محیط زیست - کود

## درک مطلب:

أجِبْ عَنِ الاسئلة التالية مستعيناً بالقصيدة (۱۸۷- ۱۸۵)

رَأَيْتَ بِي بَعْضِ الرِّيَاضِ قُبْرَهُ      تُطَيِّرُ ابْنَهَا بِأَعْلَى الشَّجَرَةِ

و هِيَ تَقُولُ يَا جَمَالَ الْعُشِّ      لَا تَعْتَمِدْ عَلَى الْجَنَاحِ الْهَشِّ

و قَفَّ عَلَى عَوْدٍ بِحَنْبِ عَوْدٍ      و اِفْعَلْ كَمَا أَفْعَلُ فِي الصُّعُودِ

فَانْتَقَلَتْ مِنْ فَنَنِ الْيَمِّ إِلَى فَنَنِ      و جَعَلْتَ لِكُلِّ نَقْلَةٍ زَمَنَ

كَيْ يَسْتَرِيحَ الْفَرَّخُ فِي الْأَنْثَاءِ      فَلَا يَمَلُّ تَقْلَ الْهَوَاءِ

لَكِنَّهُ قَدْ خَالَفَ الْإِشَارَةَ      لَمَّا أَرَادَ يُظَهِّرُ الشُّطْرَةَ

و طَارَ فِي الْفِضَاءِ حَتَّى ارْتَفَعَا      فَخَانَهُ جَنَاحُهُ فَوَقَعَا

فَانكَسَرَتْ فِي الْحَالِ رُكْبَتَاهُ      و لَمْ يَنْلُ مِنَ الْعَلَامُنَا

وَلَوْ تَأْتَى نَالٌ مَا تَمَّتِي وَ عَاشَ طَوْلَ عَمْرِهِ مَهْنًا

لِكُلِّ شَيْءٍ فِي الْحَيَاةِ وَقْتُهُ وَ غَايَةُ الْمُسْتَعْجِلِينَ قُوَّتُهُ

۱۸۵- عَيِّنْ مَا يَخْتَلِفُ مَعَ الْقَصِيدَةِ فِي الْمَعْنَى: (تهيه و تنظيم: ايران عرضه) (iranarze.ir)

(۱) إِذَا هَبَّتْ رِيَا حَكَ فَاعْتَنَمَهَا - فَعُقِبِي كُلُّ خَافِقَةٍ سَكُونُ

(۲) قَدْ يَدْرِكُ الْمَتَأَنِي بَعْضَ حَاجَتِهِ - وَ قَدْ يَكُونُ مَعَ الْمُسْتَعْجَلِ الزَّلَلُ

(۳) عَجَلَةُ الْإِنْسَانِ لَوْمٌ - عِنْدَ أَصْحَابِ الْمَرْيَةِ

ذَمُّهَا كُلُّ الْبِرَايَا فِي دَوَاوِينِ الْقَضِيَّةِ

(۴) عَجَلَةُ الْإِنْسَانِ خَيْرٌ - مِنْ تَوَانٍ فِي الْعَطِيَّةِ

وَ كَذَا الْإِمْهَالُ شَيْنٌ - عِنْدَ أَصْحَابِ السَّجِيَّةِ

۱۸۶- عَيِّنْ حَدِيثًا يَنَاسِبُ الْقَصِيدَةَ فِي الْمَعْنَى: (iranarze.ir)

(۱) التَّوَدُّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ إِلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ (۲) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ

(۳) مَعَ التَّثَبُّتِ تَكُونُ السَّلَامَةُ وَ مَعَ الْعَجَلَةِ تَكُونُ التَّدَامَةُ (۴) إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ

۱۸۷- عَيِّنِ الصَّحِيحَ (جمع آوری شده توسط ایران عرضه) حَسَبَ الْقَصِيدَةِ: (iranarze.ir)

(۱) طَيْرَانَ الطَّائِرِ انْجَازَ صَعْبٌ وَ كَلَّمَا يَبَادِرُ إِلَيْهِ يُصِيبُ يَحَادِثُهُ

(۲) أَرَادَتِ الْقَبْرَةَ أَنْ تَتَلَمَّ الطَّيْرَانَ وَ لَكِنْ لَمْ تَتَلْ مِنْهَا

(۳) الطَّيْرَانَ عَمَلٌ سَهْلٌ وَ لَا يَحْتَاجُ الطَّائِرُ أَنْ يَجْتَهِدَ فِي تَعَلُّمِهِ وَ يَحْصُلُ عَلَيْهِ أَنْفَاءً

(۴) إِنْ كَانَ يَسْمَعُ ابْنَ الْقَبْرِ لِإِشَارَةِ أُمِّهِ وَ لَا يَخَالَفُهَا فَمَا إِنَّكَسَرْتَ رُكْبَتَاهُ

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ: (۱۸۸- ۱۹۰)

قال النبي (ص): التَّعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ: الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ.

هذا الحديث يؤكد إلى أهمية الاهتمام بالجسد و دوره في الحياة. من أهم الأسباب التي تؤدي إلى حفظ الصحة والسلامة هي الرياضة. الدور الذي تقوم به الرياضة في تحسين صحة الجسم لا يقل عن دورها في تحسين نضارة البشرة وإشراقها. حيث أنها تساعد في زيادة تدفق الدم و طرد السموم التي يمكن أن تتلف الجلد. أما التمارين المنتظمة تؤدي إلى إنتاج زيوت الجلد الطبيعية و بقاء البشرة ناعمة و نضرة مع الأسف، إن الرياضة قد نسيت في هذه الحياة الصناعية التي سبب الأمراض البدنية و العقلية و الناس لا يهتم إليها و لا يجعل ساعة لها و هذا الأمر يضعف أجسامهم و يصيبهم بالأمراض المختلفة كضغط الدم، مرض السكر، الضعف في الساقين و الخ. الذين يمارسون الرياضة يتمتعون من الحياة النضرة أكثر من الآخرين ويمد لهم عمرهم و يعطيهم عقلاً سليماً في الجسم السليم و العلاقات الودية بالآخرين. فلماذا؟ يعتقد علماء النفس أن الرياضة لها دور هام في معالجة الأمراض النفسانية.

۱۸۸- عَيِّنْ أُنْسَبَ عُنْوَانٍ لِلنَّصِّ: (iranarze.ir)

(۱) العوامل الفعالة في صحة الجلد (۲) الصحة و علاقتها بالرياضة

(۳) أهمية الرياضة في الحياة الصناعية (۴) دور الصحة و الأمان في الحياة

۱۸۹- عَيِّنْ مَا لَا يُشِيرُ بِهِ النَّصُّ: (iranarze.ir)

(۱) يعرف الناس أهمية الرياضة ولكنهم غافلون عنها

(۲) كان الاهتمام بالصحة منذ العصور القديمة

(۳) الرياضة لها تأثير في التحسين نوعية العلاقات الإنسانية في المجتمع (۴) إن لعلم النفس تأثيراً على حسن الجودة في الرياضة و الصحة

۱۹۰- عین الخطاء عن دور الرياضة في الحياة مستعينا بالنص: (iranarze.ir)

- (۱) إن للرياضة تطيل الحياة دائما و تؤدي إلى أكثر التمتع منها
- (۲) إن للرياضة دوراً هاماً في الوفاية عن الضعف في الساقين
- (۳) تفرز بعض زيوت البشرة الطبيعية عن طريق الرياضة و تجعل البشرة نضرة
- (۴) في علم النفس ، قد أكد على الإهتمام بالرياضة كإحدى طرق العلاج

### عربي علوم بلاغي (معاني، بيان، بديع، عروض)

۱۹۱- ما هو الغرض عن ذكر المسند اليه في الاية الكريمة: « الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ » (جمع آوری شده توسط ایران عرضه) (iranarze.ir)

- |             |              |            |             |
|-------------|--------------|------------|-------------|
| (۱) التعريض | (۲) التّعظيم | (۳) الترحم | (۴) التعلیم |
|-------------|--------------|------------|-------------|

۱۹۲- ما هو نوع الاطناب في الحديث التالي: (iranarze.ir)

«الدَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ»

- |             |             |             |             |
|-------------|-------------|-------------|-------------|
| (۱) الايقال | (۲) التذليل | (۳) التوشیح | (۴) الايضاح |
|-------------|-------------|-------------|-------------|

۱۹۳- عين الخطاء حول اغراض الاستفهام: (iranarze.ir)

- |   |   |
|---|---|
| (۱) « أ أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ » التسويه                            | (۲) « هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ » : النقي |
| (۳) « ..... مَا هَذِهِ التَّمَانِيْلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ » : التوبيخ و التحقير | (۴) « وَمَا تِلْكَ يَبِيْمِيكَ يَا مُوسَى » : الإستثناس       |

۱۹۴- عين ما ليس فيه «التمنى» (iranarze.ir)

- |  |   |
|--|---|
| (۱) « رَبِّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ » | (۲) « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ » |
| (۳) « لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا »               | (۴) « وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا »   |

۱۹۵- عین الخطا في (آماده سازی توسط ایران عرضه) «المقصور» و المقصور عليه» (iranarze.ir)

- (۱) «..... «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» المقصور: توكلت
- (۲) « إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ » المقصور عليه: ذكر
- (۳) « إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ » المقصور: ولي
- (۴) « شرف المرء بالعلم و الأدب لا بالأصل و النسب » المقصور عليه: بالأصل و النسب

۱۹۶- عین ما ليس في الابيات التالية: (iranarze.ir)

- |   |                                       |
|---|---------------------------------------|
| أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ | إِنَّمَا النَّاسُ لَأَمٌّ وَ لَأَبٌ   |
| هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فُضَّةٍ    | أَمْ حديدٍ أَمْ نَحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ   |
| بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ    | هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ |

- |                   |                        |             |           |
|-------------------|------------------------|-------------|-----------|
| (۱) مراعاة النظير | (۲) الاستفهام الانكاري | (۳) التشبيه | (۴) القصر |
|-------------------|------------------------|-------------|-----------|

۱۹۷- عین الخطا عن أعراض النداء: (iranarze.ir)

- (۱) قَالَ رَبِّ أَنْتَى يَكُونُ لى غُلَامٌ وَكَانَتْ امْرَأَتى عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغَتْ مِنَ الْكِبَرِ عَتِيًّا: للتعجب
- (۲) قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لى صَدْرى وَيَسِّرْ لى أَمْرى وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانى يَفْقَهُوا قَوْلى: للإسترحام و الإستعطاف
- (۳) قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ: للتوبيخ

۴) رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا..... للإختصاص

۱۹۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَمَّا بُرَادٌ مِنْ صَبِغِ النَّهْيِ فِيَمَا يَلِي: (iranarze.ir)

۱) وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: للتَّيْسِ

۲) وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تَلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ: للتَّوْبِيخِ

۳) لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا .....: للائْتِنَابِ

۴) أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ: للتَّحْقِيرِ

۱۹۹- عَيْنِ (كَانَ) تَفْيِيدِ التَّشْبِيهِ: (iranarze.ir)

۱) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بَنِيَانٌ مَرُوصَةً

۲) كَأَنَّكَ مِنْ كُلِّ نَفُوسٍ مَرْكَبٌ فَأَنْتَ إِلَى كُلِّ نَفُوسٍ حَبِيبٌ

۳) فَلَمَّا جَاءَتْ قَبِيلٌ أَهْكَذَا عَرَّشُكَ قَالَتْ كَاتَهُ هُوَ وَأَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ

۴) كَأَنَّ الْمَشْتَرَى مَتَرَدَّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ وَ لَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمٌ عَلَى بَيْعِهَا

۲۰۰- عَيْنِ الْخَطَا فِي تَعْيِينِ عِلَاقَةِ الْمَجَازِ الْمَرْسَلِ (iranarze.ir)

۱) مَا بِالِ التَّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَعْنَ أُيْدِيَهُنَّ: الْكَلِيَّةِ

۲) فِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ: الْمَسْبِيَّةِ

۳) ..... يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ: الْمَحَلِّيَّةِ

۴) وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ: الْإِلِيَّةِ

۲۰۱- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ «الْكِنَايَةُ» (iranarze.ir)

۱) الْمُسْلِمُ مِنَ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ

۲) خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ

۳) وَ لَا تَصْعَرَ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا.....

۴) قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا

۲۰۲- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ «الاسْتِعَارَةُ» (iranarze.ir)

۱) قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا

۲) وَ أَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ.....

۳) إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

۴) وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَهْوٌ لِلذَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۲۰۳- أَى «مَحْسَنَةً لَفْظِيَّةً» يَوْجِدُ فِي الْإِبَةِ الشَّرِيفَةِ (iranarze.ir)

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

۱) الْإِكْتِفَاءُ ۲) الْمَوَارِبَةُ ۳) مَا لَا يَسْتَحِيلُ بِالْإِنْعِكَاسِ ۴) لَزُومٌ مَا لَا يَلْزَمُ

۲۰۴- عَيْنِ مَا فِيهِ «تَشَابَهُ الْأَطْرَافِ» (iranarze.ir)

۱) وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

۲) لِلَّهِ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دَرِّيٌّ

۳) هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَ لَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ

۴) وَ سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ الْغُرُوبِ

۲۰۵- عَيْنِ مَا يَوْجِدُ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: (iranarze.ir)

«مَنْ جَدَّ وَجَدَّ وَ مَنْ لَجَّ لَجَّ»



(۱) التسمیط (۲) التشریح (۳) الازدواج (۴) التطریز

۲۰۶- عین ما لیس فیہ «المقابلة» (iranarze.ir)

- (۱) قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبُ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَى.....  
(۲) وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ  
(۳) وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ  
(۴) الْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَالْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ

۲۰۷- عین الخطأ عن «التشبيه» فی الاية الشريفة: (iranarze.ir)

- مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ  
(۱) التشبيه المجمع (۲) التشبيه الضمني (۳) المشبه مفرد و المشبه به مركب (۴) التشبيه المرسل

۲۰۸- ما هو الصحيح عن وزن الشعر التالي: (iranarze.ir)

(قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا - فِي الْجَوْ مِثْلِ الشَّرَّةِ)

- (۱) (-U- / -U- / -U- / -U-)  
(۲) (-U- / -U- / -U- / -U-)  
(۳) (-U- / -U- / -U- / -U-)  
(۴) (-U- / -U- / -U- / -U-)

۲۰۹- عین الصحيح فی بحر الشعر التالي: (iranarze.ir)

يا إلهي يا إلهي يا مجيب الدعوات

اجعل اليوم سعيدا و كثير البركات

- (۱) هَزَج (۲) رَجَز (۳) رَمَل (۴) متقارب

۲۱۰- عین وزن البيت التالي: (iranarze.ir)

إنما الفخر لعقلٍ ثابتٍ و حياءٍ و عفافٍ و أدبٍ

- (۱) فاعلاتن فاعلن (۲) فاعولن فاعولن فَعَل (۳) فاعلاتن مفاعيلن مفاعيلن (۴) مفاعيلن مفاعيلن فاعلاتن

تاريخ ادبيات و نقد ادبي:

۲۱۱- عین الخطأ عن تبادل المفردات بين لغتي الفارسية و العربية: (iranarze.ir)

- (۱) كان لبين المقفّع دورٌ عظيمٌ في انتقال المفردات الفارسية إلى العربية  
(۲) ألف الدكتور التونجي كتاباً يبيد تبادل المفردات بين اللغتي الفارسية و العربية  
(۳) كانت التجارة من اسباب دخول اللغنة الفارسية في العربية  
(۴) إزداد نفوذ اللغة الفارسية في العصر الأموي في اللغة العربية

۲۱۲- عین الخطأ: (iranarze.ir)

- (۱) كان يعتمد الفرزدق في مدح آل البيت الى الغلو و المداهنه ليغطي على ضعف العاطفه  
(۲) كان الفرزدق في النزاع السياسيّة يتظاهر مع الامويين اذا قضت الحال و يضمّر الولاء للعلويين

(۳) قال أبو عبيدة: لولا شعر الفرزدق لذهبت ثلث اللغة العربية

(۴) كان أكثر مرمي فرزدق في أغراضه الشعرية هو التكسب

۲۱۳- تتحدث الفقرة التالي عن ..... (iranarze.ir)

«كان قد أخذ هذا الشاعر العلم عن علماء البصرة و لا سيما ابي عبيدة و حصل ثقافته واسعة: و كان الى جنب ذلك ميّالاً الى الرذيله و جعل الشعر صورة لحياته و

له ديوان فيه خمر و مجون و غزل و مدح و رثاء و هجا و ..... و قيل إنه من أصل فارسي»

(۱) بحتري (۲) أبونواس (۳) أبو الفتح علي بن محمد بستي (۴) بشار بن برد

۲۱۴- عيّن الخطأ حول «الأصنام» و «الأوثان» (iranarze.ir)

(۱) «الأصنام» و «الأوثان» تماثيل تجسد كائناً حياً سواء كان انساناً أو حيواناً

(۲) «الأوثان» هي كل ما يعبد من غير الله سواء كان هذا الشيء انساناً أو حيواناً أو نباتاً أو جماداً

(۳) كلمة «الأوثان» هي خاصة بالله واحد الذي كان يعبد البشر قديماً

(۴) يصنعهما الانسان من الحجارة أو الخشب أو الذهب أو الحديد أو غيرها

۲۱۵- عيّن «المطلع» لهاتين البيتين: (iranarze.ir)

حضرت رَحلي الهُموم فوجّه تَ إلى أبيض المدائن عَنسي

أ نَسلي عَن الحُظوظ و آسي لِمحلُّ من آل ساسان دَرَس

(۱) لَمَن طللُ بذاتِ الخَمسِ، أَمسي عفا بين العقيق فَبطن ضرس

(۲) دَع المكارم لا ترحل لبُعيتها و اقعد: فَإنكَ أنتَ الطاعم الكاسي

(۳) قل لِمَن يبكي، على رسم دَرَس و اقفا: ما ضرُّ لو كان جَلَس

(۴) صُنَت نفسي عَمّا يَدنس نفسي و ترفعتُ عَن جِدا كلِّ جُسي

۲۱۶- عيّن الخطأ عن «معروف الرصافي» (iranarze.ir)

(۱) من ميزات شعر «ذلك هو الله» لمعروف الرصافي هي متانة اللغة و رصانة الاسلوب و السهولة

(۲) كان معروف الرصافي من مدرسة المتطرقين التي إستعارت من شعراء الغرب معارض التفكير و الشعور والخيال

(۳) هو لم يهمل الأبواب الشعرية القديمة و يصف الحياة الحاضرة لا سيما الاجتماعية

(۴) الرصافي حتى العاطفة، تلمس نبضات قلبه في أبياته و هو يتطلب القوافي الموسيقية

۲۱۷- عيّن الصحيح حول الاثار التالية على الترتيب: (iranarze.ir)

«فقه اللغة و سرّ العربية - منية المرید في آداب المفيد و المستفيد - كشاف اصطلاحات الفنون - دلائل الإعجاز و أسرار البلاغة»

(۱) أبو منصور ثعالبي - محمد بن علي التهانوي - الشهيد الثاني - عبدالقاهر جرجاني

(۲) أبو منصور ثعالبي - الشهيد الثاني - محمد بن علي التهانوي - عبد القاهر جرجاني

(۳) عبد القاهر جرجاني - الشهيد الثاني - محمد بن علي التهانوي - أبو منصور ثعالبي

(۴) عبد القاهر جرجاني - محمد بن علي التهانوي - الشهيد الثاني - أبو منصور ثعالبي

۲۱۸- عيّن الخطأ عن «كليلة و دمنه» (iranarze.ir)

(۱) إنّ «ابن المقفع» قد نقل هذا الكتاب عن الفهلوية الى العربية في العصر الأموي

۲) هذا الكتاب وضع على ألسنة البهائم والطير حول تعاليم اخلاقية موجهة أولاً إلى الحكام

۳) أول من نظم «كليلاً و دمنه» شعراً هو «أبان الآحقي»

۴) اصل «كليلاً و دمنه» هنديّ مكتوب باللعغة الهندية القديمة أي السنسكريتية

#### ۲۱۹- عین الخطاء: (iranarze.ir)

۱) شعر الكميت بن زيد الأسدي يمثل عصر بني مروان تمثيلاً صادقاً و هو شعر حيّ ناهض يدعو إلى الحياة و النهوض

۲) قد نشأ دعبل الخزاعي بفطرتة هجاء و طوى أكثر عمره متخفياً متوارياً عن العيان خشية أن يقع في قبضة الذين هجاهم

۳) قد اتصل دعبل الخزاعي بالبلاط من أجل قومه و تدرج في اتصاله إلى أن أخذ في مدح الامويين و أظهر مشاركته لهم في نظريتهم السياسية

۴) الكميت بن زيد الأسدي قد ورث التشيع لأهل البيت عن بيئته بالكوفة و يدافع عنهم و قد سميت قصائده «الهاشميات»

۲۲۰- عین عبارة لا يويد النص التالي حول نزعة شعريّة لـ «بشار بن برد» «إجتمع الشعر لبشار طبعاً و فناً و كان شعره تقليدياً في إرضاء الرجعيين و تجديدياً في

إرضاء الشعب و المجددين و هكذا شعره صورة لنفسه المتقلبة و لبيئة المتأرجحة بين القديم و الحديث» (iranarze.ir)

۱) قد زاد بشار شعره حيوية بما كان يوشيه من مجملات بدعية موفقه ولا سيما الإستعارات الرقيقة

۲) لم يكن بشار جاهلاً لطرائق الشعر القديم، غريباً عن أساليبه و معانيه: فقد أخذ اللغّة عن أهلها الخالص

۳) قد يغلب التجديد في غزله، اسلوباً و معنى، إلا أن ذلك الغزل ليس برثياً من المعاني القديمة

۴) قد يغلب التقليد في مدحه اسلوباً و معنى: و مع ذلك فهو لا يخلو من تصاوير و معان طريفة

۱۶۱- عَيْنُ الْخَطَا فِي جَمْعِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ:

(۱) أَسْوَةٌ ← أُسْوِي

(۳) عَصَا ← عَصَبِي

(۲) يَمِين ← يُمْنِي

(۴) حَوَارٍ ← حَوَارَات

۱۶۲- عَيْنُ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ: «لَا شَعْبَ ... مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَطَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ»

(۲) كَبِيرٌ

(۱) كَبِيرٌ

(۴) كَبِيرٌ

(۳) كَبِيرًا

۱۶۳- عَيْنُ الْخَطَا حَوْلَ إِعْرَابِ أَسْمَاءِ الْإِسْتِفْهَامِ:

(۱) «مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَ الشَّمْسَ فِي الْجَوْ مِثْلَ الشَّرَّةِ». مَنْ ذَا: خَبْرٌ مَقْدَمٌ

(۲) ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُخَيِّ الْمَوْتَى...﴾ كَيْفَ: مَفْعُولٌ بِهِ الثَّانِي لِـ «أَرِنِي»

(۳) ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ﴾ كَيْفَ: حَالٌ

(۴) «مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَ الْإِنْسَانَ بِقُوَّةٍ مَفْتَكِرَةً». مَنْ ذَا: مَبْتَدَأٌ

۱۶۴- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) ذَهَبْتُ كِلْتَا الطَّالِبَتَيْنِ إِلَى الْمَكْتَبَةِ.

(۲) نَصَرْتُ صَدِيقِي كِلَيْهِمَا فِي الْمَصْنَعِ.

(۳) شَاهَدْتُ كِلْتَا تَلْمِذَتَيَّ هُنَا.

(۴) رَأَيْتُ كِلَا الرَّجُلَيْنِ فِي الشَّارِعِ.

۱۶۵- عَيْنُ الْخَطَا فِي «الإِضَافَةِ وَالتَّوْصِيفِ»:

(۱) نِظَامُ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ لِإِيرَانَ.

(۲) نِظَامُ الْجُمْهُورِيَّةِ إِيرَانَ الْإِسْلَامِيَّةِ.

(۳) نِظَامُ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.

(۴) نِظَامُ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.

۱۶۶- عَيْنَ الْخَطَا فِي مَحَلِّ الْإِعْرَابِ لـ «هذا»:

- ۱) ﴿لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ هذا: مبتدأ، في محل الرفع
- ۲) «أليس من المناسب كتابة لوحة جدارية مكتوب عليها هذا الحديث». هذا: نائب فاعل، في محل الرفع
- ۳) «لاتنس قولك هذا». هذا: عطف بيان و منصوب بالتبعية
- ۴) ﴿وَ قَالُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ هذا: مبتدأ، في محل الرفع

۱۶۷- عَيْنَ الْخَطَا حَوْلَ مَحَلِّ «غیر» مِنَ الْإِعْرَابِ:

- ۱) «لايقع في السوء غير فاعله». فاعل و مرفوع ظاهراً
- ۲) «جاغني رجل غيرك». صفة للنكرة و مرفوع بالتبعية
- ۳) «لكل داء دواء غير الحماقه». مستثنى و منصوب ظاهراً
- ۴) «عندي درهم غير جيد». عطف بيان و مرفوع بالتبعية

۱۶۸- عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ «المفعول المطلق»:

- ۱) السَّمَكُ الْمَدْفُونُ يَنَامُ أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ نَوْمًا عَمِيقًا.
- ۲) أَنْتَ أَحْسَنُ النَّاسِ حُسْنًا.
- ۳) ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...﴾
- ۴) النَّاسُ يُجَاهِدُونَ لِمَوْتٍ إِمَّا خَلَاصًا وَإِمَّا هَلَاكًا.

۱۶۹- عَيْنَ الْخَطَا حَوْلَ «ما»:

- ۱) ﴿قَتَلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ﴾ ما: تعجيبه، نكرة بمعنى شيء عظيم
- ۲) ﴿وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾ ما: زائدة
- ۳) ﴿وَ قَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ﴾ ما: للنفى
- ۴) ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ...﴾ ما: اسم الموصول

۱۷۰- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي بِنَاءِ الْمَجْهُولِ:

«يَأْمُرُ الْقُرْآنُ الْمُسْلِمِينَ بِالْوَحْدَةِ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى التَّعَايِشِ السَّلْمِيِّ»

- ۱) الْمُسْلِمُونَ يَأْمُرُونَ بِالْوَحْدَةِ وَ يُدْعَى إِلَى التَّعَايِشِ السَّلْمِيِّ.
- ۲) يَأْمُرُ الْمُسْلِمُونَ بِالْوَحْدَةِ وَ يُدْعُوهُمْ إِلَى التَّعَايِشِ السَّلْمِيِّ.
- ۳) يُؤْمَرُ الْمُسْلِمُونَ بِالْوَحْدَةِ وَ يُدْعَاهُمْ إِلَى التَّعَايِشِ السَّلْمِيِّ.
- ۴) يُؤْمَرُ الْمُسْلِمُونَ بِالْوَحْدَةِ وَ يُدْعَوْنَ إِلَى التَّعَايِشِ السَّلْمِيِّ.

## عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۱۷۱ - ۱۷۲)

۱۷۱ - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾

- (۱) الآخرة: اسم - مشتق (اسم الفاعل) - معرّف بال - صحيح الآخر / مجرور بحرف الجاز
- (۲) الَّذِينَ: اسم موصول خاص - معرفة - مبني على الفتح / بدل من «أَيُّ» في محلّ الرّفْع
- (۳) أَنْتَاقَلْتُمْ: فعل ماضٍ - للمخاطبين - مزيد ثلاثي (من باب استفعال) - لازم - مبني للمعلوم / فاعله ضمير «تُمْ» و الجملة في محلّ النّصب (حال)
- (۴) متاع: اسم - جامد - معرّف بالاضافة - معرب - صحيح الآخر / مبتدأ و مرفوع و علامة رفعه الضمة الظاهرة.

۱۷۲ - ﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ \* مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ﴾

- (۱) صَيْحَةً: اسم - جامد - مصدر للنوع - نكرة - صحيح الآخر / مفعول به و منصوب و علامة نصبه الفتحة الظاهرة.
- (۲) يَخِصِّمُونَ: فعل مضارع - للغائبين - مزيد ثلاثي (من باب إفتعال) - صحيح (سالم) / الجملة من الفعل و الفاعل في محلّ الرّفْع، خبر للمبتدأ.
- (۳) مَتَى: اسم استفهام - مبني على السكون - نكرة / ظرف، خبر مَقَمّ في محلّ الرّفْع
- (۴) كُنْتُمْ: فعل ماضٍ - من الأفعال الناقصة - معتلّ (أجوف) إعلاله بالقلب و الحذف / فعل الشرط و جوابه محذوف

ترجمه و تعريب:

## عین الصحیح فی ترجمه الآيات و العبارات إلى الفارسیّة: (۱۷۳-۱۷۷)

۱۷۳ - ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...﴾

- (۱) و آنان که جز خدا را بخوانند دشنام ندهید زیرا از روی دشمنی و نادانی خداوند را دشنام می دهند.
- (۲) و آنهایی که جز خدا می خوانند ناسزا نگویید حال آنکه با دشمنی و نادانی شان خدا را دشنام دهند.
- (۳) و کسانی که به غیر خدا دعوت می کنند ناسزا نگویید زیرا آنها با دشمنی و نادانی خدایتان را دشنام خواهند داد.
- (۴) و آنهایی که جز خدا را می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی، به نادانی خدا را دشنام دهند.

۱۷۴ - ﴿وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾

- (۱) و نعمت خداوند را بر خودتان به یاد آورید آنگاه که دشمن بودید و میان دل هایتان مهربانی انداخت پس به نعمت او برادر شدید.
- (۲) و نعمت پروردگار را بر خودتان ذکر کنید اگر چه دشمن بودید و میان دل هایتان پیوند داد پس به نعمتش برادر شدید.
- (۳) و نعمت های خدا را بر خویشتن بشمارید هنگامی که دشمنانی بودید که بین دل هایتان الفت ایجاد کرد و به خاطر نعمت او برادرانی شدید.
- (۴) و نعمت پروردگار را بشمارید آن هنگامی که دشمن بودید و بین قلوبتان محبت انداخت و به خاطر نعمت او برادر یکدیگر شدید.

- ۱۷۵- (... و الله، لو أعطيت الأقاليم السبعة بما تحث أفلakها على أن أعصي الله في ثقله أسئبها جلب شعيرة ما فعلت).
- ۱) قسم به خداوند، اگر که هفت سرزمین و آنچه در زیر آسمان هایشان دارند به من بخشیده می‌شد تا از خداوند سرپیچی کنم و پوست جویی را از مورچه بگیرم، انجام نمی‌دادم.
  - ۲) به خداوند سوگند اگرچه سرزمین‌های هفت‌گانه با هر آنچه در زیر آسمان‌شان است به من داده شود تا از پروردگار نافرمانی کنم و پوست جویی را از یک مورچه بگیرم انجام نخواهم داد.
  - ۳) به خدا سوگند اگر سرزمین‌های هفت‌گانه با هر چه زیر آسمان هایشان است به من داده می‌شد تا از خدا نافرمانی کنم و پوست جویی را از مورچه‌ای به زور بگیرم، انجام نمی‌دادم.
  - ۴) قسم به خداوند، اگر هفت سرزمین با هر آنچه زیر آسمان هایشان است به من بخشیده می‌شد تا از خداوند سرپیچی کنم و دانه جویی را از مورچه‌ای به زور بگیرم، انجام نمی‌دادم.

۱۷۶- بَدَأَ الْقَوْمَ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصُّنْمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا».

- ۱) مردم شروع به پیچ کردن: قطعاً بت سخن نمی‌گوید؛ ابراهیم فقط قصد دارد بت‌های ما را مسخره کند.
- ۲) مردم آهسته شروع به صحبت کردند: به درستی که بت سخن نمی‌گوید؛ تنها ابراهیم می‌خواهد بت‌های ما را مسخره کند.

۳) پیچ مردم شروع شد: بی‌شک بت‌ها حرف نمی‌زنند؛ قصد ابراهیم تنها تمسخر بت‌های ما است.

- ۴) قوم شروع به گفت‌وگو کردند: همانا بت سخن نمی‌گوید (فقط) ابراهیم قصد مسخره کردن بت‌هایمان را دارد.

۱۷۷- (لِللِّسَانِ الْقَطْ غُدُّ نَفْرٌ سَائِلٌ مُطَهَّرٌ فَيَلْعَقُ الْقِطَّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ).

- ۱) غده‌هایی که در زبان گربه وجود دارد حاوی مایعی ضد عفونی کننده است که گربه زخمش را با چندین بار لیسیدن التیام می‌بخشد.

۲) در زبان گربه غده‌هایی هست که به وسیله آن مایع ضد عفونی کننده ترشح می‌شود پس زخم گربه با چندین بار لیسیدن بهبود می‌یابد.

۳) در زبان گربه غده‌ای وجود دارد که مایع پاک کننده‌ای تولید می‌کند و گربه زخم‌هایش را بارها می‌لیسد تا التیام یابند.

- ۴) زبان گربه غده‌هایی دارد که مایعی پاک کننده ترشح می‌کند پس گربه زخمش را چندین بار می‌لیسد تا اینکه بهبود یابد.

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ: (۱۷۸-۱۷۹)

۱۷۸- انقلاب صنعتی در بیشتر کشورها باعث پیشرفت در تولیدات داخلی و تأسیسات حیاتی و تحصیلات عالی شده است.

۱) كانت النهضة الصناعية قد أدت إلى الرقي في المشتقات الدولية و الأبنية الرئيسية و الأبحاث العالية في أكثر الدول.

۲) في أكثر البلاد الثورة الصناعية قد أدت إلى التقدّم في المنتجات الوطنية و المنشآت الحيوية و الدراسات العليا.

۳) في أكثر بلاد أدت الثورة الصناعية إلى التقدّم في المشتقات الوطنية و المنشآت الرئيسية و الأبحاث العالية.

۴) كانت النهضة الصناعية في أكثر دول تؤدي إلى الرقي في المنتجات الدولية و الأبنية الحيوية و الدراسات العليا.

۱۷۹- شیمیل به همکاریانش سفارش کرده بود که گروهی را برای گفت‌وگوی دینی و فرهنگی تشکیل بدهند که هدف برترش همبستگی میان تمدن‌ها باشد.

(۱) إِنَّ شَيْمِلَ قَدْ أَوْصَتْ زَمَلَاءَهَا بِتَشْكِيلِ جَمَاعَةٍ لِّلْمَحَاضِرَةِ الدِّينِيَّةِ وَ الحَضَارِيَّةِ يَكُونُ غَرَضُهَا الْأَفْضَلُ «التَّضَامُنُ بَيْنَ التَّقَاتِ».

(۲) شَيْمِلٌ قَدْ تَوَصَّى أَصْحَابَهَا أَنْ يُشْكَلُوا جَمَاعَةً لِّلْحَوَارِ الدِّينِيَّةِ وَ الحَضَارِيَّةِ يَكُونُ أَعْلَى هَدَفِهَا «التَّضَامُنُ بَيْنَ التَّقَاتِ».

(۳) كَانَتْ شَيْمِلٌ قَدْ أَوْصَتْ زَمَلَاءَهَا أَنْ يُشْكَلُوا فَرِيقًا لِّلْحَوَارِ الدِّينِيَّةِ وَ التَّقَاتِ يَكُونُ هَدَفُهُ الْأَعْلَى «الْإِتِّحَادُ بَيْنَ الحَضَارَاتِ».

(۴) كَانَتْ شَيْمِلٌ تَوَصَّى أَصْحَابَهَا بِتَشْكِيلِ فَرِيقٍ لِّلْمَحَاضِرَةِ الدِّينِيَّةِ وَ التَّقَاتِ يَكُونُ غَرَضُهَا الْأَعْلَى «الْإِتِّحَادُ بَيْنَ الحَضَارَاتِ».

۱۸۰- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) ﴿...أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَّا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ : به دین یکتاپرستی روی آور و هرگز از مشرکان نباش.

(۲) ﴿كُلُّ حَزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ : هر حزبی به آنچه دارد دلشاد است.

(۳) ﴿...لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾ : حج خانه خدا بر مردم برکسانی که بتوانند به سوی آن راه یابند واجب الهی است.

(۴) ﴿وَ لَا يَخْزُوكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...﴾ : گفتارشان تو را ناراحت نکند؛ زیرا ارجمندی، همه از آن خداست.

۱۸۱- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) الْكَرَى: هو أن يكون الإنسان بين التائم و اليقظان.

(۲) الطمر: اللباس العتيق جمعه الأطمار.

(۳) الغش: الذي يجمعه الطائر من العيدان و غيرها فيبيض فيه.

(۴) النهش: الغض بالأسنان لتتظر أ صلب هو أم خوار.

۱۸۲- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) ما أضر أحد شيئاً إلا ظهر في فلتات لسانه: کسی چیزی را پنهان نکرد مگر اینکه در لغزش‌های زبانش آشکار شد.

(۲) الحرص و الكبر و الحسد دواع إلى التّقحّم في الذّنوب: حرص و ورزی، خودبزرگ‌بینی و حسادت انگیزه‌های آلوده شدن به گناهان است.

(۳) قيمة كل امرئ ما يحسنه: ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می‌دهد.

(۴) كل وعاء يضيق بما جعل فيه إلا وعاء العلم: هر ظرفی با آنچه در آن نهاده شده تنگ می‌شود به جز ظرف دانش.

۱۸۳- عَيْنُ الْخَطَا عن معنى لِفعل (خَدَدَ):

(۱) خَدَدَ السَّكِينِ: چاقو را تیز کرد.

(۳) خَدَدَ إِلَيْهِ: قصد آن را کرد.

(۲) خَدَدَ لَهُ: به نفع او تصمیم گرفت.

(۴) خَدَدَ عَلَيْهِ: به او خشم گرفت.



۱۸۴- عین الخطأ في ترجمة الكلمات:

- (۱) الفسيلة - النمسا - الملزمة ← نهال - اتریش - جزوه  
 (۲) الرصيد - النفاية - المعوق ← شارژ - زباله - معلول  
 (۳) الجب - المرفاع - التأشيرة ← دانه گندم - بخاری - امضاء  
 (۴) التفق - البيئة - السماد ← تونل - محيط زیست - کود

درک مطلب:

أجب عن الاسئلة التالية مستعينا بالقصيدة (۱۸۷-۱۸۵)

رأيت في بعض الرياض قبرة	تطيرُ ابنها بأعلى الشجرة
و هي تقول يا جمال العش	لا تعتمد على الجناح الهش
و قف على عودٍ بجانب عودٍ	و اقل كما أفل في الصعود
فانتقلت من فنن إلى فنن	و جعلت لكل نقلة زمن
كي يستريح الفرخ في الأثناء	فلا يمل ثقل الهواء
لكنه قد خالف الإشاره	لما أراد يظهر الشطاره
و طار في الفضاء حتى ارتفعا	فخائنه جناحه فوقعا
فانكسرت في الحال زكباته	و لم ينل من الغلا مناه
ولو تأنى نال ما تمنى	و عاش طول عمره مهنا
لكل شيء في الحياة وقته	و غاية المستعجلين قوته

۱۸۵- عین ما يختلف مع القصيدة في المعنى:

(۱) إذا هبت رياحك فاغتمها - فعقبى كل خافقة سكون

(۲) قد يدرك المتأني بعض حاجته - و قد يكون مع المستعجل الزلل

(۳) عجلة الإنسان لوم - عند أصحاب المزية

ذمها كل البرايا - في دواوين القضية

(۴) عجلة الإنسان خير - من توان في العطية

و كذا الإمهال شين - عند أصحاب السجية

۱۸۶- عین حديثاً يناسب القصيدة في المعنى:

(۱) التؤدة في كل شيء خير إلا في عمل الآخرة.

(۲) إن الله يحب من الخير ما يعجل.

(۳) مع التثبت تكون السلامة و مع العجلة تكون الندامة.

(۴) إذا هممت بخير فباير، فإلك لا تدري ما يحدث.

## ١٨٧- عَيْنِ الصَّحِيحِ حَسْبِ الْقَصِيْدَةِ:

- (١) طَيْرَانِ الطَّائِرِ اِنْجَازِ صَعْبٍ وَ كَلَّمَا يَبَايِرُ اِلَيْهِ يُصِيبُ بِحَادِيْتِهِ.
- (٢) اَرَادَتْ الْقَبْرَةَ اَنْ تَتَعَلَّمَ الطَّيْرَانِ وَ لَكِنْ لَمْ تَتَلْ مُنَاهَا.
- (٣) الطَّيْرَانِ عَمَلٌ سَهْلٌ وَ لَاحْتِجَاجِ الطَّائِرِ اَنْ يَجْتَهِدَ فِي تَعَلُّمِهِ وَ يَحْصُلَ عَلَيْهِ اَنْفَاءً.
- (٤) اِنْ كَانَ يَسْتَمِعُ اِبْنَ الْقَبْرِ لِاِشَارَةِ اُمِّهِ وَ لَإِخْلَافِهَا فَمَا اِنْكَسَرَتْ رُكْبَتَاهُ.

اَجِبْ عَنِ الْاَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ: (١٩٠-١٨٨)

قال النبي(ص): «النعمتان مجهولتان: الصحةُ و الأمان».

هذا الحديث يؤكد إلى أهمية الاهتمام بالجسد و دوره في الحياة. من أهم الأسباب التي تؤدي إلى حفظ الصحة و السلامة هي الرياضة. الدور الذي تقوم به الرياضة في تحسين صحة الجسم لا يقل عن دورها في تحسين نضارة البشرة و إشراقها. حيث أنها تساعد في زيادة تدفق الدم و طرد السموم التي يمكن أن تتلف الجلد. أما التمارين المنتظمة تؤدي إلى إنتاج زيوت الجلد الطبيعية و بقاء البشرة ناعمة و نضرة. مع الأسف، إن الرياضة قد نسيت في هذه الحياة الصناعية التي سبب الأمراض البدنية و العقلية و الناس لا يهتم إليها و لا يجعل ساعة لها. و هذا الأمر يضعف أجسامهم و يصيبهم بالأمراض المختلفة كضغط الدم، مرض السكر، الضعف في الساقين و الخ. الذين يمارسون الرياضة يتمتعون من الحياة النضرة أكثر من الآخرين و يمدلهم عمرهم و يعطيهم عقلاً سليماً في الجسم السليم و العلاقات الودية بالآخرين. فلماذا يعتقد علماء النفس أن الرياضة لها دور هام في معالجة الأمراض النفسية.

١٨٨- عَيْنِ اَنْسَبِ عِنْوَانٍ لِلنَّصِّ:

- (١) العوامل الفعالة في صحة الجلد
- (٢) الصحة و علاقتها بالرياضة
- (٣) أهمية الرياضة في الحياة الصناعية
- (٤) دور الصحة و الأمان في الحياة

١٨٩- عَيْنِ مَا لَا يُشِيرُ بِهِ النَّصُّ:

- (١) يعرف الناس أهمية الرياضة ولكنهم غافلون عنها.
- (٢) كان الاهتمام بالصحة منذ العصور القديمة.
- (٣) الرياضة لها تأثير في تحسين نوعية العلاقات الإنسانية في المجتمع.
- (٤) إن إعلم النفس تأثيراً على حسن الجودة في الرياضة و الصحة.

١٩٠- عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ دَوْرِ الرِّيَاضَةِ فِي الْحَيَاةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ:

- (١) إن الرياضة تطيل الحياة دائماً و تؤدي إلى أكثر التمتع منها.
- (٢) إن للرياضة دوراً هاماً في الوقاية عن الضعف في الساقين.
- (٣) تُفَرِّزُ بعض زيوت البشرة الطبيعية عن طريق الرياضة و تجعل البشرة نضرة.
- (٤) في علم النفس، قد أكد على الإهتمام بالرياضة كإحدى طرق العلاج.

علوم بلاغی (معانی، بیان، بدیع، عروض):

۱۹۱- ما هو الغرض عن ذكر المسند اليه في الآية الكريمة: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

- (۱) التعريض  
(۲) التّعظيم ✓  
(۳) التّرحّم  
(۴) التّعليم

۱۹۲- ما هو نوع الاطناب في الحديث التالي:

«الذهر يومان؛ يوم لك و يوم عليك»

- (۱) الايقال  
(۲) التّذييل  
(۳) التّوشيح ✓  
(۴) الايضاح

۱۹۳- عین الخطأ حول أغراض الاستفهام:

- (۱) ﴿أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾: التّسويه ✓  
(۲) ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾: التّفي  
(۳) ﴿... مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾: التّوبيخ و التّحقير  
(۴) ﴿وَ مَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى﴾: الإستنناس

۱۹۴- عین ما ليس فيه «التمنى»:

- (۱) ﴿رَبَّمَا يُودُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾  
(۲) ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾  
(۳) ﴿لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾  
(۴) ﴿وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾

۱۹۵- عین الخطأ في «المقصور» و المقصور عليه:

- (۱) ﴿...إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ عَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ المقصور: توكلت  
(۲) ﴿إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبِينٌ﴾ المقصور عليه: ذكر  
(۳) ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾  
المقصور: ولي

(۴) «شرف المرء بالعلم و الأدب لا بالأصل و النسب.» المقصور عليه: بالأصل و النسب

۱۹۶- عین ما ليس في الابيات التالية:

إنها الفاخر جهلاً بالنسب  
هل تراهم خلقوا من فضة  
بل تراهم خلقوا من طينة  
إنما الناس لأم و لأب  
أم حديد أم نحاس أم ذهب  
هل سوى لحم و عظم و غضب

(۱) مراعاة التظير

(۲) الاستفهام الانكاري

(۳) التشبيه

(۴) القصر

۱۹۷- عین الخطأ عن أغراض النداء:

- (۱) ﴿قَالَ رَبِّ أُنَى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَ كَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا﴾ : للتعجب  
(۲) ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي \* وَ اخْلَعْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي \* يَقْفُوهَا قَوْلِي﴾ : للإسترخام و الإستعطاف  
(۳) ﴿يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾ : للتوبيخ  
(۴) ﴿رَبَّنَا إِنَّا أَسْمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا...﴾ : للإختصاص

۱۹۸- عین الصحيح عما يراد من صيغ النهي فيما يلي:

- (۱) ﴿وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ : للتبئيس  
(۲) ﴿وَ إِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ : للتوبيخ  
(۳) ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا...﴾ : للإنتناس  
(۴) أنظر إلى ما قال و لا تنظر إلى من قال: للتحقير

۱۹۹- عین (حأن) تفيد التشبيه:

- (۱) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بَنِيَانٍ مَرْصُوصٍ﴾  
(۲) كَأَنَّكَ مِنْ كُلِّ نَفْسٍ مَرَكَّبٌ فَأَنْتَ إِلَى كُلِّ النَّفْسِ حَبِيبٌ  
(۳) ﴿فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَ هَكَذَا عَزَّيْتُمْ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَ أُوْتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ﴾  
(۴) كَانَ الْمُشْتَرِي مَرْتَدًّا فِي شَرَاءِ الْبِضَاعَةِ وَ لَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمًا عَلَى بَيْعِهَا.

۲۰۰- عین الخطأ في تعيين علاقة المجاز المرسل:

- (۱) ﴿مَا بَالُ النَّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ﴾ : الكلية  
(۲) ﴿فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ : المسببية  
(۳) ﴿... يَقُولُونَ يَا فَوَاهِيَهُمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ : المحلية  
(۴) ﴿وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ : الآلية

۲۰۱- عین ما ليس فيه «الكنایة»:

- (۱) المسلم من سلم الناس من لسانه و يده. <sup>۳۱۲</sup>
- (۲) خير الناس أنفعهم للناس.
- (۳) ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا...﴾
- (۴) ﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا...﴾

۲۰۲- عین ما ليس فيه «الاستعارة»:

- (۱) ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا...﴾
- (۲) ﴿وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ...﴾
- (۳) ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾
- (۴) ﴿وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآزِلِ الْأَجْرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ﴾

۲۰۳- آي «محسنة لفظية» يوجد في الآية الشريفة:

- ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ كُلٌّ فِي قَلْبٍ يَنْبَغُونَ﴾
- (۱) الإكتفاء <sup>۳۴۷</sup>
- (۲) الموارية <sup>۳۵۸</sup>
- (۳) ما لا يستحيل بالانعكاس <sup>۳۵۷</sup>
- (۴) لزوم ما لا يلزم <sup>۳۵۴</sup>

۲۰۴- عین ما فيه «تشابه الأطراف»:

- (۱) ﴿وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ﴾
- (۲) ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾
- (۳) ﴿لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَ لَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ﴾
- (۴) ﴿وَ سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْعُرُوبِ﴾

۲۰۵- عین ما يوجد في هذه العبارة:

- «مَنْ جَدَّ وَجَدَّ وَ مَنْ لَجَّ وَلَجَّ»
- (۱) التسميط
- (۲) التشریح
- (۳) الازدواج
- (۴) التطرير

۲۰۶- عین ما ليس فيه «المقابلة»:

- (۱) ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَغْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ...﴾
- (۲) ﴿عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾
- (۳) ﴿وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ﴾
- (۴) العلم و المال يستران كل عيب و الجهل و الفقر يكشفان كل عيب.

۲۰۷- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ «التَّشْبِيهِ» فِي آيَةِ الشَّرِيفَةِ:

«مِثْلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَغْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ»

(۱) التَّشْبِيهِ الْمَجْمَل

(۲) التَّشْبِيهِ الضَّمْنِي

(۳) المَشَبَّه مَفْرَدٌ وَ المَشَبَّه بِهِ مَرْكَبٌ

(۴) التَّشْبِيهِ الْمَرْسَل

۲۰۸- ما هو الصحيح عن وزن الشعر التالي:

(قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا - فِي الْجَوْ مِثْلِ الشَّرَةِ)

(۱) (-U- / -U- / -U- / -U-)

(۲) (-U- / -U- / -U- / -U-)

(۳) (-U- / -U- / -U- / -U-)

(۴) (-U- / -U- / -U- / -U-)

۲۰۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي بَحْرِ الشَّعْرِ التَّالِي:

يا إلهي يا إلهي

اجعل اليوم سعيداً

يا مجيب الدعوات

و كثير البركات

(۱) هَزَج

(۲) رَجَز

(۳) زَمَل

(۴) مِتْقَاب

۲۱۰- عَيْنِ وَزْنِ الْبَيْتِ التَّالِي:

إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ نَابِتٍ

وَحِيَاءٍ وَ عِفَافٍ وَ أَدَبٍ

(۱) فَاعِلَاتِنِ فَاعِلَاتِنِ فَاعِلِنِ

(۲) فَعُولِنِ فَعُولِنِ فَعْلِنِ

(۳) فَاعِلَاتِنِ مَفَاعِلِنِ مَفَاعِلِنِ

(۴) مَفَاعِلِنِ مَفَاعِلِنِ فَاعِلَاتِنِ

تاريخ ادبيات و نقد ادبي:

۲۱۱- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ تَبَادُلِ الْمَفْرَدَاتِ بَيْنِ لُغَتِي الْفَارْسِيَّةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ:

(۱) كَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي انْتِقَالِ الْمَفْرَدَاتِ الْفَارْسِيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ.

(۲) أَلْفَ الذِّكْوَرِ التُّونَجِيِّ كِتَاباً يُؤَيِّدُ تَبَادُلَ الْمَفْرَدَاتِ بَيْنِ اللُّغَتِي الْفَارْسِيَّةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ.

(۳) كَانَتْ النَّجَازَةُ مِنْ أَسْبَابِ دُخُولِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ فِي الْعَرَبِيَّةِ.

(۴) إِزْدَادُ نَفُوذِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ فِي الْعَصْرِ الْأُمَوِيِّ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

## ۲۱۲- عین الخطأ:

- ۱) كان يعتمد الفرزدق في مدح آل البيت الي الغلو و المداهنة ليغطي على ضعف العاطفة.
- ۲) كان الفرزدق في النزعة السياسية يتظاهر مع الامويين اذا قضت الحال و يضمّر الولاء للعلويين.
- ۳) قال أبوعبدة: لولا شعر الفرزدق لذهب ثلث اللغة العربية.
- ۴) كان اكثر مرمى فرزدق في أغراضه الشعرية هو التكسب.

## ۲۱۳- تتحدث الفقرة التالية عن:...

«كان قد أخذ هذا الشاعر العلم عن علماء البصرة و لاسيما أبي عبدة و حصل ثقافة واسعة؛ و كان الي جنب ذلك ميالا الي الرذيلة و جعل الشعر صورة لحياته و له ديوان فيه خمر و مجون و غزل و مدح و رثاء و هجا و ... و قيل إنه من أصل فارسي».

(۲) أبونواس

(۱) بحري

(۴) بشار بن برد

(۳) أبوالفتح علي بن محمد بُستي

## ۲۱۴- عین الخطأ حول «الأصنام» و «الأوثان»:

- ۱) «الأصنام» و «الأوثان» تماثيل تجسد كائناً حياً سواء كان انساناً أو حيواناً.
- ۲) «الأوثان» هي كل ما يعبد من غير الله سواء كان هذا الشيء انساناً أو حيواناً أو نباتاً أو جماداً.
- ۳) كلمة «الأوثان» هي خاصة لاله واحد الذي كان يعبده البشر قديماً.
- ۴) يصنعهما الانسان من الحجارة أو الخشب أو الذهب أو الحديد أو غيرها.

## ۲۱۵- عین «المطلع» لهاتين البيتين:

تُ إلي أبيض المدائن غنسي

حضرت زحلي الهُموم فوجه

لمحل من آل ساسان درس

أ تسلي عن الخطوظ و آسى

عفا بين العقيق قبطن ضرس

(۱) لمن طلل بذاب الخمس، أمس

و اقعُد؛ فإتلك أنت الطاعم الكاسي

(۲) دَع المكارم لائرخل ليغيتها

واقفاً: ما ضرَّ لو كان جلس

(۳) قل لمن يبكي، على رسم درس

و ترفعت عن جدا كل جيبس

(۴) صننت نفسي عما يدنس نفسي

## ۲۱۶- عین الخطأ عن «معروف الرصافي»:

- ۱) من ميزات شعر «ذاك هو الله» لمعروف الرصافي هي متانة اللغة و رصانة الاسلوب و السهولة.
- ۲) كان معروف الرصافي من مدرسة المتطرفين التي استعارت من شعراء الغرب معارض التفكير و الشعور و الخيال
- ۳) هو لم يهمل الأبواب الشعرية القديمة و يصف الحياة الحاضرة لاسيما الاجتماعية.
- ۴) الرصافي حي العاطفة، تلمس نبضات قلبه في أبياته و هو يتطلب القوافي الموسيقية.

۲۱۷- عین التصحیح حول الآثار التالیة علی الترتیب:

«فقه اللغة و سر العربیة - منیة المزید فی آداب المفید و المستفید - کشاف اصطلاحات الفنون - دلائل الإعجاز و أسرار البلاغة»

- ۱) أبو منصور ثعالبی - محمد بن علی التهانوی - الشہید الثانی - عبدالقاهر جرجانی
- ۲) أبو منصور ثعالبی - الشہید الثانی - محمد بن علی التهانوی - عبدالقاهر جرجانی
- ۳) عبدالقاهر جرجانی - الشہید الثانی - محمد بن علی التهانوی - أبو منصور ثعالبی
- ۴) عبدالقاهر جرجانی - محمد بن علی التهانوی - الشہید الثانی - أبو منصور ثعالبی

۲۱۸- عین الخطأ عن «کلیلة و دمنة»:

- ۱) إن «ابن المقفع» قد نقل هذا الكتاب عن الفهلویة الى العربیة فی العصر الأموی.
- ۲) هذا کتاب وضع علی ألسنة البهائم و الطیر حول تعالیم اخلاقیة موجهة اولاً إلى الحكام.
- ۳) أول من نظم «کلیلة و دمنة» شعراً هو «أبان الأحمی».
- ۴) اصل «کلیلة و دمنة» هندي مكتوب باللغة الهندیة القديمة أي السنسكريتیة.

۲۱۹- عین الخطأ:

۱) شعر الكمیت بن زید الأسدي یمثل عصر بنی مروان تمثیلاً صادقاً و هو شعر حی ناهض يدعو إلى

### صفحة ۳

الحیة و التهوؤ.

۲) قد نشأ دعبل الخزاعي بفطرته هجاء و طوی أكثر عمره متخفياً متوارياً عن العیان خشية أن يقع فی قبضة الذین هجاهم.

۳) قد اتصل دعبل الخزاعي بالبلاط من أجل قومه و تدرج فی اتصاله إلى أن أخذ فی مدح الامویین و أظهر مشاركته لهم فی نظریتهم السیاسیة.

۴) الكمیت بن زید الأسدي قد ورث التشیع لأهل البیت عن بیئته بالكوفة و يدافع عنهم و قد سمیت قصائده «الهاشمیات»

۲۲۰- عین عبارة لایونید النص التالی حول نزعة شعریة لـ «بشارین برد» «اجتمع الشعر لیشار طبعاً و فناً و كان شعره تقلیدياً فی إرضاء الزجعیین و تجدیدياً فی إرضاء الشعب و المجددین و هكذا كان شعره صورة لنفسه المتقلبة و لبیئة المتأرجحة بین القديم و الحدیث.»

۱) قد زاد بشار شعره حیویة بما كان یوشیه من مجملات بدیعیة موفقة و لاسیما الاستعارات الرقیقة.

۲) لم یکن بشار جاهلاً لطرانق الشعر القديم، غریباً عن أسالیبه و معانیه؛ فقد أخذ اللغة عن أهلها الخالص.

۳) قد یغلب التجدید فی غزله، اسلوباً و معنی، إلا أن ذلك الغزل لیس برنیاً من المعانی القديمة.

۴) قد یغلب التقليد فی مدحه اسلوباً و معنی؛ و مع ذلك فهو لا یخلو من تصاویر و معان طریفة.



## ایران عرضه

## مرجع نمونه سوالات

## آزمون های استخدامی

## به همراه پاسخنامه تشریحی

### خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات استخدامی دبیر عربی ، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار استخدامی آموزش و پرورش، اینجا بزنید

«انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه مجاز می باشد»

